

بود و بود و بود

تصویرگر: ثنا حبیبی راد

شکوه قاسم‌نیا

بود بود و بود و بود،
سه تا بشقاب بود.
اولی توش پلو بود و فسنجون.
دومی توش یه تکه مرغ بریون.
سومی توش نون و پنیر و ریحون.
مهمونا تا رسیدن، مرغ و پلو رو خوردن.
مورچه‌ها پیدا شدن،
نون و پنیر رو بردن.

بود و بود و بود.
سه تا چایی بود.
اولی راکی خورد؟ بابا!
خندید و گفت شکر خدا!
دومی راکی خورد؟ مامان!
بابا به او گفت نوش جان
سومی هم مال منه
هی داره چشمک می‌زنه
می‌گه بیا منتظرم
منو بخور، می‌خوام برم

مصطفی رحماندوست

اسمش چیه؟

اسمش چیه؟
مداده!
که خیلی باسواده
مشقامو می نویسه
داداش خودنویسه
خسته نمی شه اصلاً
دوسته همیشه با من



اسمش چیه؟
الاغه!
الاغه توی باغه
گلا رو خورده رفته
خبر چینش کلاغه

اسدالله شعبانی